

۱ مفاهیم «اعتقاد به سرنوشت، یگانه پرستی، تواضع» به ترتیب، در کدام بیت‌ها آمده است؟
(الف) جز از جام توحید هرگز ننوشم / زنی گر به تیغ ستم گردن من
(ب) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بَرَدش تا به سوی دانه و دام
(پ) بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد

۲ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
(الف) در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد.
(ب) ما را به اکرام، به راه دریا گسیل کرد.
(پ) حلالیت نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه‌سازی.
(ت) معلّم مشوّش بود؛ از در ناسازی صدا برداشت.

۳ مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را بنویسید.
(الف) ریش برکندن.
(ب) سپر انداختن.

۴ معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
(الف) صفحه سفیدی را باز می‌کرد و اِرتِجَالاً انشایی می‌ساخت.
(ب) به اَورِد با او بسنده نبود.

۵ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.
(الف) عزم‌ت ضامن دوام جهان شد.
(ب) در «شهناز» شوری به پا کرده بود.
(پ) تا با خاک انس نگیری، راهی به مراتب قُرب نداری.
(ت) اگر غم و شادیت بود، به آن‌کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.

۶ در عبارت زیر، کاربرد کدام آرایه‌های ادبی مشهود است؟ (ذکر دو نمونه کافی است).
«دفترچه من یا مصطفی را - که در دو طرف او روی نیمکت نشسته بودیم - برمی‌داشت و صفحه سفیدی را باز می‌کرد و اِرتِجَالاً انشایی می‌ساخت و با صدای گرم و رسا به اصطلاح امروزی‌ها اجرا می‌کرد و یک نمره بیست با مبلغی آفرین و احسنت تحویل می‌گرفت و مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سر جای خود می‌نشست.»

۷ معادل معنایی واژه «صاحب‌دل» را در بیت زیر مشخص کنید.
«ز سِرّ غیب، کس آگاه نیست قصه مخوان / کدام محرم دل ره در این حرم دارد؟»

۸ معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
(الف) سپر بینداخت و از میدان بگریخت.
(ب) مپندار این شعله افسرده گردد.
(ج) برآشفت سهراب و شد چون پلنگ / چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ
(د) روزکی چندی سخن کوتاه کرد / مرد بقال از ندامت آه کرد

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
 الف) و در آن دستی نازک داشت.
 ب) من این را از روی طبیعت کشیده‌ام.
 ج) بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.
 د) تا با خاک انس نگیری راهی به مراتب قرب نداری.

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.
 الف) مگر در ریاضی که کمیتش لنگ بود
 ب) سر و موی او از در افسر است

برای واژه «قضا» یک «هم‌آوا» بنویسید.

در گروه کلمات زیر، چهار غلط املایی وجود دارد، آن‌ها را بیابید و درست هریک را بنویسید.
 زائر نامدار - سجر و مصادره - معاصی منکر - مؤژن مسجد - موعظ خالی - دوات و جوهر - لحو و لعاب

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
 ب) صفحه سفیدی باز می‌کرد و اِرتِجَالاً انشایی می‌ساخت.

هریک از ابیات زیر، با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
 الف) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بَرَدش تا به سوی دانه و دام
 ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طَرَب / گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری
 ۱) چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او / سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد
 ۲) هر آن‌که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایّام

معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
 الف) به آورد با او بسنده نبود.
 ب) در چشم به هم زدنی، پشت او را به خاک رسانید.
 ج) ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ / کافتاب نعمتم شد زیر میغ
 د) خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است.

مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) عنان را گران کرد و او را بخواند.
 ب) او را نیز بسیمل کردم تا عبرت همگان شود.

املای درست کلمات مشخص شده را بنویسید.
 الف) به شصت اندر آورده تیر خدنگ
 ب) مخذول و نالان اصترحام می‌کرد.

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.
 الف) عنان را بیچید گرد آفرید
 ب) از کلاس بیرون رفت و دم بر نیآورد.

یکی از شیوه‌های طنزنویسی یا تقلید از آثار ادبی است.

درباره‌ی لحن و بیان داستان (طرّاران) توضیح دهید.

به نظر شما، چرا شخصیت اصلی قصّه (طرّاران)، به چنین سرنوشتی دچار شد؟

۲۲ اگر شما به جای نویسنده بودید، این داستان (درس ۱۶) را چگونه به پایان می‌رساندید؟

۲۳ به سروده‌های زیر از سعدی توجه کنید. هریک با کدام قسمت از متن درس (خسرو)، ارتباط معنایی دارند؟
«هر آن‌که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او / سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد»

۲۴ درباره ارتباط مفهومی سروده‌ی زیر با متن درس (خسرو) توضیح دهید.
با بدان کم‌نشین که صحبت بد / گر چه پاکی تو را پلید کند
آفتابی بدین بزرگی را / لگه‌ای ابر ناپدید کند (سنایی)

۲۵ آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر را در میان کلام «تضمین» می‌گویند. نمونه‌ای از آرایه‌ی تضمین را در متن درس (خسرو) بیابید.

۲۶ یکی از شیوه‌های طنزنویسی، نقیضه‌پردازی یا تقلید از آثار ادبی است؛
نمونه‌هایی از کاربرد این شیوه را در متن (درس ۱۶) بیابید.

۲۷ مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را بنویسید.
الف) باب دندان بودن:
ب) سپر انداختن:
ج) مرد میدان بودن:
د) کمیت کسی لنگ بودن:

۲۸ نقش دستوری ضمیرهای پیوسته را در جمله‌های زیر مشخص کنید.
الف) دیگر طاقت دیدنم نماند.
ب) (که) جان یابدت زان خورش پرورش.

۲۹ از متن درس (خسرو) برای هریک از انواع جمله، نمونه‌های مناسب بیابید.
ساده:
مرکب:

۳۰ از متن درس (خسرو)، هفت واژه مهمّ املائی بیابید و بنویسید.

۳۱ برای هریک از واژه‌های زیر یک «معادل معنایی» و یک «هم‌آوا» بنویسید.
۱- قضا:
۲- مغلوب

- ۱ الف) توحید و یگانه‌پرستی (ص ۸۲)
ب) اعتقاد به تقدیر یا جبرگرایی (ص ۱۲۵)
پ) تواضع (ص ۱۶)
- ۲ الف) در برابر رفتار زشت، صلح نمود و در برابر پستی، بخشنده‌گی و بزرگواری کرد. (ص ۵۲)
ب) ما را با احترام از راه دریا روانه کرد. (ص ۵۹)
پ) اگر شغل نوازندگی آوازخوانی و دلکی را برگزینی، تو را حلال نمی‌کنم. (ص ۱۲۴)
ت) معلّم آشفته بود؛ به عنوان مخالفت فریاد کشید. (ص ۶۴)
- ۳ الف) شدّت ناراحتی (ص ۱۱۳)
ب) تسلیم شدن (ص ۱۲۲)
- ۴ الف) بی‌درنگ، بدون اندیشه (ص ۱۲۰)
ب) جنگ، نبرد، کارزار (ص ۱۰۳)
- ۵ الف) اراده‌ تو پایداری دنیا را ضمانت کرد. (ص ۳۳)
ب) با خواندن آواز شهناز، هیجان و غوغایی بر پا کرده بود. (ص ۱۲۳)
پ) تا فروتنی و عبادت نکنی، به درجه‌ نزدیک شدن به خدا نمی‌رسی. (ص ۷۸)
ت) اگر اندوهگین یا شادمان هستی، آن را به کسی بگو که در غمخوار تو باشد. (ص ۱۸)
- ۶ حس‌آمیزی، کنایه و تشبیه (ذکر دو مورد) (ص ۱۲۰)
- ۷ آگاه (ص ۱۲۳)
- ۸ الف) تسلیم شد و از میدان مبارزه فرار کرد. (ص ۱۲۲)
ب) (ای دشمن) تصوّر نکن که عشق و علاقه‌ من به وطن خاموش شود و از بین برود. (ص ۸۲)
ج) سهراب خشمگین شد و مانند پلنگ حمله آورد زیرا دشمن او در جنگیدن مهارت داشت. (ص ۱۰۳)
د) طوطی چند روز (به مدت کوتاه) سخن نگفت مرد بقال از پشیمانی آه می‌کشید. (ص ۱۱۳)
- ۹ الف) در آن کار مهارت داشت. (ص ۶۴)
ب) با استعداد ذاتی خودم کشیدم. (ص ۱۲۳)
ج) انسان‌های بزرگ با هر اتّفاق حق یا باطلی، متغیّر و عصبانی نمی‌شوند. (ص ۱۸)
د) تا متواضع و فروتن نباشی به خدا نزدیک نمی‌شوی (ص ۷۸)
- ۱۰ الف) ضعیف بود (ص ۱۲۴)
ب) ظاهر او نشان می‌دهد که شاهزاده و شایسته‌ پادشاهی است (ص ۱۰۴)
- ۱۱ غذا / غزا (ذکر یک مورد) (ص ۱۲۶)
- ۱۲ زجر و مصادره - مؤذن مسجد - موضع خالی - لهو و لعب
- ۱۳ الف) اندوه، غم (ص ۹)
ب) بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن (ص ۱۲۰)
- ۱۴ الف) ۲
ب) ۱ (ص ۱۲۷)

الف) در نبرد با سهراب حریف او نمی‌شد (توانایی مقابله با او را نداشت). (ص ۱۰۳)

ب) در زمانی کوتاه او را شکست داد. (ص ۱۲۴)

ج) احساس ناراحتی و پشیمانی می‌کرد و می‌گفت افسوس این نعمت من (طوطی من) مثل خورشیدی بود که پشت ابر

پنهان شد (طوطی را از دست دادم). (ص ۱۱۳)

د) خاک نشانه‌ی نیازمندی مخلوق در برابر بی‌نیازی آفریننده است. (ص ۷۸)

الف) متوقف کردن (ص ۹۶)

ب) سر جانور را بریدن (ص ۱۲۲)

الف) شست (ص ۹۸)

ب) استرحام (ص ۱۲۲)

الف) برگشتن و برگرداندن اسب (ص ۱۰۴)

ب) سکوت کردن، حرف نزدن (ص ۱۲۳)

نقیضه‌پردازی (ص ۱۲۴)

لحن و بیان داستان طنز و روایی است. از این نظر که در آن خنده و بزرگ‌نمایی وجود دارد «طنز» است و از جهت اینکه یک داستان را بیان می‌کند «روایی» است.

به علت سادگی و زودباوری بیش از حد

(پاسخ به عهده دانش‌آموز)

خسرو یک لحظه به خودش آمد و تصمیم به ترک مواد و غیره گرفت.

از چهره‌ی تکیده‌اش بدبختی و سیه‌روزی می‌بارید. چشم‌های درشت و پُرفروغش چون چشمه‌های خشک‌شده، سرد و

بی‌حالت شده بود. شیرهی تریاک، آن شیر بی‌باک را چون اسکلتی وحشتناک ساخته بود. خدای من! این همان خسرو

است؟! از حالش پرسیدم؛ جوابی نداد. ناچار بلندتر حرف زدم؛ با صدایی که به قول معروف، گویی از ته چاه درمی‌آمد، با

زهرخندی گفت: «داد زنن؛ من گوش استماع ندارم، لِمَنْ تَقول». فهمیدم گر هم شده است.

هم‌نشینی با انسان‌های بد، آدمی را به انحراف می‌کشاند و باعث سقوط و نابودی او می‌شود.

همه‌ی قبیله‌ی من عالمان دین بودند / مرا معلّم عشق تو شاعری آموخت

زنگوله‌ها را که به گردن خر می‌بندند، او به دم خر بسته است.

الف) مطابق میل بودن

ب) تسلیم شدن

ج) توانایی کاری داشتن

د) ناتوان بودن

الف) برای من ← نقش متممی

ب) جان تو ← نقش اضافی (مضاف‌الیه)

ساده: از همه‌ی درس‌های حفظی بیست می‌گرفت.

مرکب: همه حیرت کردند که آفتاب از کدام سمت برآمده که خسرو کیف همراه آورده است.

مخذول: استرحام، بدسگال، وقار، طمأنینه، الزام، غالب

۱- معادل معنایی: تقدیر / هم‌آوا: غزا، غذا
۲- معادل معنایی: تسلیم / هم‌آوا: مقلوب